

## تبیین رابطه میان آموزش‌های شهروندی با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی

مطالعه موردی: شهروندان تهرانی در سال ۱۳۹۳

محسن نیازی-استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

مرتضی جعفر پور- دانشجوی دکتری علوم اجتماعی (بررسی مسائل اجتماعی ایران) دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

(نویسنده مسئول)،

mjb1355@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

### چکیده

در این مقاله، رابطه میان آموزش شهروندی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی مورد مطالعه قرار گرفته است. در دهه‌های اخیر، با توجه به اهمیت فرهنگ شهروندی و نقش آموزش‌های شهروندی در ارتقاء آن، رابطه بین مؤلفه‌های مختلف آموزش شهروندی از جمله دانش شهروندی، مهارت شهروندی، نگرش شهروندی و میزان بهره‌مندی شهروندان از آموزش‌های شهروندی شهرداری‌ها و سازمان‌های غیردولتی با فرهنگ شهروندی مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. بر این مبنای، هدف اساسی این مقاله، تبیین وضعیت هر یک از متغیرهای آموزش شهروندی و فرهنگ شهروندی و چگونگی پیوند و تعامل دو متغیر فوق در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد. این تحقیق از نوع مطالعه پیمایشی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه جمعیت بالای ۱۵ سال شهر تهران در نیمه سال ۱۳۹۳ می‌باشد. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۱۱۱۲ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین و بررسی شده‌اند. نتایج تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای آموزش شهروندی و میزان بهره‌مندی از آموزش‌های شهروندی شهروندان با میزان پایبندی آنان به فرهنگ شهروندی را در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار داده است. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیونی متغیرهای تحقیق، نشان می‌دهد که میزان اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌های «نگرش شهروندی»، «مهارت شهروندی» و «دانش شهروندی» بر فرهنگ شهروندی به ترتیب برابر با ۳۴، ۱۷، ۱۵ درصد می‌باشد.

واژگان کلیدی: فرهنگ شهروندی، آموزش شهروندی، دانش شهروندی، مهارت شهروندی، نگرش

شهروندی.

## مقدمه

فرهنگ شهروندی مفهومی نوین است که با ورود به هزاره سوم اهمیتی ویژه یافته است، تا آنجا که می‌توان آن را از نوین‌ترین مفاهیم دنیای مدرن تلقی نمود. فرهنگ و شهروندی، هر دو از مفاهیم پر مناقشه و جدال، میان صاحب‌نظران این دو حوزه است. به تعبیر مورد وفاق اکثر متخصصین (بنیانیان، ۱۳۸۶)، فرهنگ شهروندی به‌عنوان سبک زندگی انسان در قالب سوژه شهروند در بافت شهری و متأثر از نیازهای حال و آینده تعریف شده است، تا آنجا که با پیوند خوردن مفهوم رفاه اجتماعی با جایگاه شهروندی، کلیه شئون زندگی جمعی در قالب فرهنگ شهروندی شدیداً متأثر از تعبیر مفهوم رفاه می‌شود. اگرچه از فرهنگ به‌عنوان سبک کلی زندگی انسانی یاد می‌شود (بنیانیان، ۱۳۸۶)، ولی این سبک کلی که از تعاملات انسانی شکل می‌گیرد، خود از ارزش‌ها و هنجارها که جوهره فرهنگ هستند، ناشی می‌شود (یونسکو، ۲۰۱۰). فرهنگ پدیده‌ای اکتسابی، انتقال‌پذیر، پویا و آموختنی است. به واسطه همین ویژگی‌های، فرهنگ شهروندی را می‌توان به‌عنوان یک قابلیت اکتسابی و توانایی غیر غریزی انسانی تعریف کرد که شکل دهنده سبک کلی زندگی و هادی تعاملات او با دیگران باشد (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۵).

از سوی دیگر، فرهنگ شهروندی متأثر از سازه‌ای انسان‌ساخت و جمعی است که الزاماتی را در قالب ارزش‌ها و هنجارها به زندگی انسانی وارد ساخته است، این الزامات اگرچه در طول تاریخ یکسان نبوده است، ولی سیر تاریخی مفهوم فرهنگ شهروندی نشان دهنده وابستگی معنا و مصداق فرهنگ به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندی بوده است (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۹). به نظر فالکس<sup>۱</sup>، شهروندی یک مفهوم پویاست که تحقق کامل آن مستلزم اراده‌ای فراتر از دولت بوده و ضروری است فرهنگ عمومی نیز در بررسی آن مورد توجه قرار داده شود (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲).

توجه به عواملی که در شکل‌گیری فرهنگ شهروندی نقش دارند از اهمیت خاصی برخوردار است. در این ارتباط، نقش آموزش شهروندی به‌عنوان یک عامل مؤثر بر فرهنگ شهروندی مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. آموزش شهروندی در واقع ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسائل عمومی جامعه می‌باشد که فرد را برای کسب فرهنگ شهروندی جامعه محل زندگی خود در ابعاد محلی، ملی و جهانی آماده می‌کند. چنین آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و از مهارت‌های لازم برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی برخوردار است. در واقع، جایگاه آموزش قوانین و مقررات شهروندی، یکی از مهم‌ترین نقاط اتصال مدیریت شهری با شهروندان قلمداد می‌شود. بنابراین آموزش و پرورش شهروندان از طریق آشنایی و شناخت آنان در پرتو قوانین و مقررات شهری، چه به صورت رسمی اتفاق بیافتد و چه به صورت غیررسمی، باعث می‌شود که شهروندان نقش پویاتری در مشارکت شهری و مفهوم شهروندی داشته باشند (صراف‌ی و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۷).

آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد. این مؤلفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به‌عنوان یکی از الزامات اساسی افزایش سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه فرهنگی نقش

مؤثر دارد. امروزه این آموزش‌ها در تعیین جایگاه فرد در جریان توسعه‌یافتگی در بستر جهانی شدن، از ضرورت‌های اساسی تلقی می‌گردد. بنابراین، آموزش شهروندی یک نوع آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۳). با توجه به مباحث فوق، هدف اساسی این مقاله، بررسی وضعیت فرهنگ شهروندی و نیز تبیین چگونگی پیوند و ارتباط آموزش شهروندی با فرهنگ شهروندی در جامعه آماری مورد بررسی است.

## مبانی نظری

در این بخش، فرهنگ شهروندی به عنوان موضوع اصلی پژوهش و نیز مفهوم آموزش شهروندی به عنوان متغیر مستقل تحقیق مورد بحث قرار گرفته است.

### مفهوم شهروندی

برداشت‌ها و نگرش‌هایی که ناظر به مفهوم جامعه مدنی و شهروندی است بر روند، فرایند سرشت و سرنوشت شکل‌گیری و شکل‌دهی به شهروندی در یک جامعه تأثیر به‌سزایی دارند. بنابراین فهم پدیده‌ها بر نحوه عینیت یافتگی آن‌ها مؤثر است. لذا شناخت برداشت‌های نظری از مفاهیم کمک‌زیادی به شناخت پدیده‌ها می‌کند. این اصل در مورد مفهوم شهروندی نیز صادق است. در زمینه مفهوم شهروندی برداشت مدیران شهری و مقامات محلی، شهرداران، اعضای شوراهای اسلامی، اعضای احزاب و تشکل‌ها سیاسی، نمایندگان مجلس (کنشگران جمعی و مطبوعاتی) از این مفهوم حائز اهمیت می‌باشد. به این ترتیب شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه‌های اساسی انسان‌ها را که هگل آن را نیاز به اسمیت شناخته شدن می‌نامند، ارضاء نماید. موقعیت شهروند بر یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد. این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد، در حالی که به او استقلال فردی را نیز ارزانی می‌دارد. شهروندان به عنوان کارگزاران خلاق همواره راه‌های جدیدی برای بیان شهروندی‌شان می‌یابند. برای شکل دادن به نیازها و آرزوهای در حال تغییر شهروند و جامعه به حقوق، وظایف و نهادهای جدیدی نیاز خواهد بود. از آنجایی که شهروندی در مورد روابط انسانی است نمی‌توان تعریفی ساده و ایستا را که برای همه جوامع و همه زمان‌ها به کار رود برای آن‌ها ارائه نمود.

شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری عدالت و استقلال دلالت دارد. تحول و ماهیت شهروندی را در هر زمان مفروضی می‌توان از طریق بررسی ابعاد به هم مرتبط بستر، گستره، محتوی و عمق آن درک نمود. یک احساس وافر شهروندی تنها هنگامی حاصل می‌شود که موانع فراروی اعمال آن شناسایی و رفع شوند. به عبارتی شهروندی عضویت فعال یا غیرفعال فرد در دولت با حقوق جهانی معین و برابری در تعهدات در سطح مشخص شده است (صراف‌ی و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

### فرهنگ شهروندی

شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی است که به منظور کمک به شناخت بهتر جامعه و روابط درونی آن و هدایت

کنش‌ها و رفتارها به وجود آمده است. مفهوم شهروند و شهروندی در بین پدیده‌های مختلف جامعه‌شناسی از این ویژگی ممتاز برخوردار است که در مکاتب و نظریه‌های فلسفی، سیاسی و حقوقی مورد تفسیر قرار گرفته و ماهیتی تجویزی پیدا نموده است. این مفهوم ابتدا به موازات گرایش دوباره به جامعه مدنی در اواخر دهه ۱۹۸۰ احیاء شده و تا به امروز بحث‌های زیادی را حول خودسامان داده است (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۵).

در زبان انگلیسی لغت citizen و در زبان فرانسه لغت citoyen، هر دو از ریشه لاتین civitas است که به معنای مردم یکپارچه و متحد در یک شهر یا جامعه می‌باشد. در واقع، ریشه واژه شناختی این کلمه در بردارنده معنای اتحاد، همبستگی و یکپارچگی افراد در یک گستره جغرافیایی محدود یا وسیع است. همچنین در فرهنگ انگلیسی به فارسی آریانپور این کلمه به معنای شهری، بومی، اهل شهر، تابع، رعیت و تبعه یک کشور آمده است. از حیث واژه‌شناسی مفهوم شهروند<sup>۱</sup>، از شهر (cite) می‌آید و سینه از واژه لاتینی سیویتاس<sup>۲</sup> مشتق شده است. در فرهنگ لغت دهخدا شهروند به کسی گفته می‌شود که اهل یک شهر یا یک کشور باشد و نیز آمده که «وند» موجود در این واژه در گذشته نیز بوده و در واقع این واژه «شهر بند» بوده است، به معنای کسی که به شهری بند است. در فرهنگ معاصر نیز شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور به شمار می‌آید و از حقوق متعلق به آن برخوردار می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲).

در راستای مطالعات فرهنگ شهروندی، ابن خلدون به ابعاد اخلاقی و فرهنگی شهروندان در مناطق حصر نشین توجه خاصی داشته است. بر اساس بینش وی، این‌گونه استنباط می‌شود که وی تمایل به تقویت روح جمعی و عصبيت قومی همانند جامعه ابتدایی و کوچک را برای جامعه و فرهنگ شهروندی با توجه به آیات و دستورات اسلامی در نظر داشته است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۷۲). از دیدگاه ترنر، فرهنگ شهروندی به‌عنوان حلقه اتصال همه طبقات اجتماعی با تأکید بر ارزش‌های مشترک میان شهروندان، شکل می‌گیرد. به نظر ترنر، شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی است که به افراد در یک جامعه شهری هویت رسمی و قانونی داده و این حقوق و الزامات اجتماعی و قانونی، ریشه تاریخی و تکاملی در سیر زندگی اجتماعی انسان دارد و باعث شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و قانونی یک جامعه شهری چون نظام قضایی، پارلمانی و دولت رفاه شده است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۵-۱۷۴).

همچنین، در اندیشه پارسونز، شهروندی و اهمیت آن در فرهنگ، ناشی از این واقعیت است که در جوامع دموکراتیک باید فرهنگ شهروندی به معیار اصلی همبستگی و انسجام ملی تبدیل گردد. به نظر گی روشه، یکی از بنیان‌های اصلی دموکراسی لیبرال و فرهنگ شهروندی در جامعه مدنی، آن چیزی است که پارسونز کثرت‌گرایی<sup>۳</sup> می‌نامد که به نظر وی عبارت است از به رسمیت شناختن کثرت منافع که جامعه جدیدی چون ملت آمریکا از آن ساخته شده است. کثرت‌گرایی اجتماعی مایه غنای فرهنگی، اقتصادی، پویایی و سرزندگی شهروند آن جامعه می‌گردد. کارل پوپر معتقد است مفهوم یا احساس شهروندی، به‌خودی‌خود به واسطه تجمع افراد در کنار یکدیگر ایجاد نمی‌شود، بلکه باید نهادهای متکفل این

1-citizen

2-civitas

3-pluralism

احساس را ایجاد کنند. نهادهایی مانند انتخابات، تأمین اجتماعی، مالیات یا رسانه‌ها می‌توانند چنین هویتی را ایجاد کنند (رحیمی، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۸). در مجموع، در حوزه فرهنگ شهروندی باید به حقوق مشترک فرهنگ‌های اقلیت یک جامعه نیز اشاره کرد. کی ملیکا معتقد است که به رسمیت شناختن این حقوق از الزامات هرگونه سیاست چند فرهنگی و جامعه کثرت‌گرا است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۵۴-۱۵۳).

### آموزش شهروندی

آموزش از ارکان اصلی رشد شخصیت و تحکیم هویت نظام ارزشی، ملی و انسانی هر جامعه محسوب می‌شود. تربیت و آموزش در هر نهاد اجتماعی، منجر به اجتماعی شدن در ابعاد مختلف می‌گردد. فرایند آموزش و پرورش شهروندی در قالب مهارت‌های زندگی انسانی و جمعی به صورت برنامه‌ریزی آشکار و پنهان در نهادهای آموزشی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از نظر پیتر بلاو تربیت و آموزش شهروند مدارانه، نباید دربرگیرنده نفع فردی باشد، بلکه باید این آموزش‌ها راهی برای مساوات‌طلبی و برابری شهروندی باشد. این آموزش‌ها باید به روابط اجتماعی بین افراد و روابط افراد و نهادهای ساختار نظام اجتماعی مربوط باشد. به‌طور کلی نهادهای آموزشی و پرورشی هر جامعه از طریق این تعلیمات به دنبال جامعه‌پذیری عمومی، ادغام و سازگاری اجتماعی شهروندان می‌باشد (اسلر، ۱۹۹۷).

تافلر معتقد است که واقعیت تربیتی آموزش شهروندی برای این است که نسل‌های جوان با نتایج تجربیات نسل‌های گذشته آشنا شوند که این آشنایی منجر به افزایش سرمایه تمدنی تجربیات نسل قدیم توسط نسل جدید می‌گردد. همچنین، این تربیت منجر می‌شود که تجربیات نسل‌های گذشته باعث بهره‌گیری و ارتقاء کیفیت زندگی فردی و اجتماعی نسل‌های بعدی شود. از بُعد دیگر، نظام‌های آموزشی در هر جامعه باید چنان شهروندان خود را با فرآورده‌های خویش تربیت و پرورش دهد که بتوانند با استفاده از تخصص کسب‌شده، به حل مسائل و مشکلات زمانه خود بپردازند (آقازاده، ۱۳۸۵: ۴۸).

تورنی، آموزش شهروندی را عبارت از فرایند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر می‌داند. این انتقال موارد مختلفی نظیر آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادین - مانند حاکمیت قانون و تساهل و تسامح، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت‌های لازم برای فهم سیاست‌های عمومی و نظارت بر آن‌ها را شامل می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۷: ۳۱۷). هوج<sup>۲</sup>، آموزش شهروندی را عبارت از هرگونه تلاش آگاهانه و آشکار به منظور توسعه شناخت فرد در مورد دولت، قانون و سیاست می‌داند. همچنین، دانش‌های مربوط به آن شامل، دانش به ارزش‌های مهمی چون عدالت، برابری، مسئولیت، مشارکت، حقیقت، وطن‌پرستی، آزادی، تنوع، آسایش، مالکیت و حقوق بشر<sup>۳</sup> می‌باشد (هوج، ۲۰۰۲: ۱۰۵). در حال حاضر آموزش شهروندی یکی از موضوعات اساسی در بسیاری از کشورها می‌باشد. رویکردهای قرن جدید و

1-Osler

2-Hoge

3-Human rights

ملاحظات فوری، فرض بر این دارد که چگونه جوانان را برای مواجهه چالش‌ها و بلا تکلیفی‌های زندگی در دنیای به سرعت در حال تغییر، آماده کند. امروزه فقدان آموزش فرهنگ زندگی شهری کاملاً مشهود بوده و ناآگاهی از فرهنگ شهروندی و قواعد رفتاری زندگی شهری، هزینه‌های زیادی را به اداره‌کنندگان شهر، محیط شهری و ساکنان شهر تحمیل کرده است. کلان‌شهرها با افزایش مداوم جمعیت ثابت و جمعیت سیار و نیز افزایش خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌های متعدد روبه‌رو بوده و به موازات آن با نیازهای اجتماعی وابسته به آن مواجه‌اند که با گسترش و افزایش این وضعیت، نیازها به مراتب بیشتر شده و وظایف سازمان‌های مربوطه نیز سنگین‌تر می‌شود. یکی از مفاهیم عمده در ادبیات آموزش شهروندی، تدوین محتوای آموزشی منطبق با نیاز شهر و شهروندان است که حاوی موضوعات اساسی چون هدف‌های نهایی و کلی با توجه به فلسفه آموزش، اهداف و راهبردهای لازم برای رفع نیاز آنان مانند: موضوع ترافیک، بازیافت، حفظ فضای سبز، حفظ نظافت شهر و غیره است.

### رابطه آموزش شهروندی با فرهنگ شهروندی

افلاطون معتقد بود که نظام ارزشی و اعتقادات سیاسی شهروندان بر چگونگی ثبات و نظم نهادهای سیاسی و طرز عملکرد آن‌ها اثر می‌گذارد. از این‌رو، فساد موجود و ادواری در نظام سیاسی و نهادها و تشکیلات وابسته به آن‌ها را به کمبودهایی که در آموزش شهروندی وجود داشت و غفلتی که در این مورد صورت می‌گرفت، نسبت می‌داد. علاوه بر این، وی در کتاب قوانین خود که سخن بر سر قوانین بنیادی جامعه است، به این نکته اشاره می‌کند که برای شناختن و بر پا کردن قانون‌های درست باید به تربیت رو کرد و لازم است انسان‌های شایسته‌ای تربیت کنیم که قانون را رعایت کنند (مهرداد، ۱۳۷۶). افلاطون یکی از مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت را آموزش مهارت‌های لازم برای تصدی وظیفه در مدینه فاضله و همچنین ترغیب و تشویق افراد برای انجام وظایف مدنی می‌داند و معتقد است برای نیل به این اهداف چون همه اهالی مدینه فاضله سعادت واحدی را طالب‌اند، اگرچه در رسیدن به آن یکسان نیستند، باید به همگان آن دسته از آراء و عقاید که شرط ضروری وصول به سعادت واقعی است آموزش داده شود. حتی کسانی که به هر دلیل از عقاید مناسب با مدینه فاضله، فاصله می‌گیرند، باید به شیوه‌های مختلف اقناع شوند و دوباره به آرای صحیح رجوع کنند (سجادی، ۱۳۷۸: ۷۸). کانت نیز آموزش شهروندی را جریان آزادمنشانه و فعال یادگیری می‌داند که مسئولیت و فردیت هر یک از شرکت‌کنندگان را تعیین و ارزش‌گذاری می‌کند. همچنین، وی هدف کلی آموزش مردم سالارانه را متعهد کردن افراد در جریانی می‌داند که به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌ها و نگرش‌هایی را در خود پرورش دهند که برای مشارکت آن‌ها در یک جامعه انسانی، لازم است (کوبو و کینی، ۲۰۰۰: ۲).

بنابراین، چنانچه آموزش شهروندی به‌خوبی صورت گیرد، نقش مهمی در تقویت روح جمعی و دستیابی به مهارت‌های زندگی و شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد دارد. بر این مبنا، آموزش نقش بسیار مهمی در ترویج جامعه سالم و آرام

1-Kubow

2-Kinney



دارد. در واقع آموزش‌های شهروندی در یک جامعه موجب می‌گردد که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به صورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز بهره‌مند باشند. آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد. این مؤلفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به‌عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه فرهنگی نقش مؤثر دارد.

آموزش‌های شهروندی در بعد فرهنگی به اخلاق شهروندی اشاره دارد. در واقع، رویکرد کلی در ارائه آموزش‌های شهروندی باید به آن دسته از آموزه‌های اخلاقی و حقوقی بپردازد که لازم است شهروندان نسبت به نهادهای اجتماعی و شهروندان دیگر اجرا نمایند. آموزش شهروندی از بعد فرهنگی شامل «آموزش مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی می‌شود که انعطاف‌پذیری بسیاری دارند و این امر ناشی از وجود تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگی است که در جامعه شکل می‌گیرد. از نظر ترنر آموزش فرهنگ شهروندی ارتباط نزدیکی با مشارکت فرهنگی افراد جامعه دارد و باید شهروندان در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه آموزش ببینند و خود را مسئول بدانند و در گسترش آن مشارکت نمایند» (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

### پیشینه پژوهش

در ارتباط با مفهوم شهروندی و به‌ویژه فرهنگ شهروندی و مفاهیم مرتبط با آن چون هویت شهروندی و آموزش شهروندی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. در این بخش به نمونه‌هایی از این تحقیقات پرداخته شده است. تحقیقی توسط هاشمیان فر و گنجی (۱۳۸۸) تحت عنوان «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان» صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان اصفهانی در ابعاد سه‌گانه شهروندی، یعنی مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشند. همچنین باید اذعان نمود که نهادینه کردن و توسعه فرهنگ شهروندی در جامعه ایران با توجه به پتانسیل‌های موجود و ساختار در حال گذار آن، از رهیافت آموزش با شیوه‌های مختلف قابل‌دستیابی است.

فاطمی نیا (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال» در پی تبیین این مسئله بوده است که شهروندی و فرهنگ شهروندی حاصل تعهد، مسئولیت‌پذیری و معاونت عناصر و عرصه‌های مختلف جامعه می‌باشد. روش مطالعه در این مقاله کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نقش شهروندان و انجام تعهدات شهروندی در توسعه فرهنگ شهروندی بسیار حائز اهمیت است، زیرا که شهروندان عناصر شناور و پویای جامعه محسوب می‌شوند و در عرصه‌های مختلف جامعه حضور دارند.

در تحقیق حسنی و همکاران (۱۳۹۱) با موضوع «سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزش‌ها و هنجارها» صورت گرفته است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-پیمایشی انجام گرفته و حجم نمونه آن ۳۸۴ نفر از دانشجویان دانشگاه ارومیه بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد دانشگاه به‌عنوان یک نهاد آموزشی و فرهنگی توانسته است

نقش مهمی در جامعه‌پذیری افراد داشته باشد؛ زیرا سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان، میانگین متوسط بالا را نشان می‌دهد.

در پژوهش نیکنامی و مدالو (۱۳۸۷) با عنوان «تعیین مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره راهنمایی تحصیلی جهت ارائه یک چارچوب نظری مناسب با اشاره به مؤلفه‌های آموزش شهروندی مورد نیاز دانش آموزان»، حیطه‌های رفتار اجتماعی و سیاسی با ۱۷/۸، قانونمندی و قانون‌گرایی با ۱۵/۳، رفتار ملی- مذهبی با ۱۰/۸ و حیطه زیست‌محیطی و توسعه پایدار با ۹/۱ تبیین واریانس به‌عنوان حیطه‌های اصلی آموزش شهروندی به شمار آمده‌اند.

خوجم‌لی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود با عنوان «چگونگی تربیت شهروندی در مدارس متوسطه از طریق برنامه‌های درسی پنهان<sup>۱</sup>» استنتاج می‌کند که شهروندی، از طریق فعالیت‌های ورزشی، مشارکت در مباحث کلاس درس و همچنین بحث‌های آزاد، گفتگوی آزاد شفاهی و فضای دموکراتیک کلاس درس آموزش داده می‌شود. نتایج تحقیق مجل چوبقلو (۱۳۸۷) با عنوان «تحلیل برنامه درسی اجرا شده مقطع ابتدایی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران از بُعد تربیت شهروندی» نشانگر این بود که مقوله‌های تربیت شهروندی به‌صورت متعادل و متوازن در محتوای کتب درسی توزیع نشده و این در حالی است که باید به همه آن‌ها به‌صورت مساوی توجه شود. فعالیت‌های یاددهی- یادگیری انجام‌شده توسط معلمان در ارتقاء رفتارهای شهروندی از حد متوسط پایین‌تر بوده و طراحی و اجرای برنامه‌های مکمل برنامه درسی تربیت شهروندی در مدارس ابتدایی در حد قابل قبول نمی‌باشد.

## روش پژوهش

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی<sup>۲</sup> بوده و داده‌های پژوهش با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها ورود آن‌ها به کامپیوتر، محاسبات آماری با استفاده از نرم‌افزار spss انجام و رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق کلیه شهروندان واقع در سنین فعالیت (بالتر از ۱۵ سال و کمتر از ۶۰ سال) شهر تهران جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند. میزان حجم نمونه پژوهش حاضر بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده است. لازم به توضیح است این میزان حجم نمونه بر اساس فرمول و در شرایط بیشترین حد آن اعمال شده است. آمار دقیق حجم نمونه پس از توزیع پرسشنامه مقدماتی و برآورد واریانس دقیق متغیرها در بین شهروندان حدود ۱۱۱۲ نفر تعیین شده است. فرهنگ شهروندی به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش در قالب ارزش‌ها و هنجارهایی که بیانگر شیوه زندگی و شکل‌دهنده تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی جمعی و روی هم‌رفته، قابلیت‌های اکتسابی است، تعریف می‌شود (فاطمی نیا، ۱۳۸۶؛ کاوسی و کفاشی، ۱۳۸۷). در این پژوهش برای سنجش وضعیت فرهنگ شهروندی و میزان برخورداری شهروندان از آن با توجه به پژوهش شاه طالبی و همکاران (۱۳۸۸) مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در دو حیطه ارزش‌های فردی و جمعی (۱۶ مقوله) و هنجارها (۱۴ مقوله) مورد بررسی قرار گرفته است. اعتبار و روایی مقیاس فرهنگ

1-Hidden curriculum

2-Social Survey



شهروندی با استفاده از آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به نتایج آزمون ( $a=0/92$ ) اعتبار طیف مورد تأیید قرار گرفته است. آموزش شهروندی به‌عنوان متغیر مستقل پژوهش به‌طور عمده به‌عنوان فرآیند ایجاد دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی اطلاق می‌گردد که قادر می‌سازد افراد به‌عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۵). بر اساس تحقیقات و مباحث نظری مورد مطالعه، آموزش شهروندی دارای سه بعد دانش (شناخت) شهروندی<sup>۲</sup>، مهارت (توانش) شهروندی<sup>۳</sup> و نگرش شهروندی می‌باشد که در این تحقیق، آموزش شهروندی با توجه به پژوهش رودی (۱۳۹۰) با استفاده از ۳۷ گویه (۱۳ گویه جهت سنجش نگرش شهروندی، ۱۱ گویه جهت سنجش مهارت شهروندی و ۱۰ گویه برای سنجش دانش شهروندی) در قالب طیف سه گزینه‌ای لیکرت مورد بررسی قرار گرفته است. اعتبار و روایی مقیاس آموزش شهروندی و ابعاد آن با استفاده از آلفای کرونباخ<sup>۴</sup> مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به نتایج آزمون اعتبار طیف آموزش شهروندی ( $a=0/81$ )، دانش شهروندی ( $a=0/65$ )، نگرش شهروندی ( $a=0/78$ ) و مهارت شهروندی ( $a=0/78$ ) مورد تأیید قرار گرفته است.

## بحث و یافته‌ها

در این بخش، ابتدا یافته‌های تحقیق در ارتباط با متغیرهای پژوهش ارائه و توصیف گردیده است. پس‌از آن، رابطه بین متغیرهای تحقیق تحلیل گردیده است.

### مشخصات فردی پاسخگویان

در این بخش، ابتدا مشخصات فردی پاسخگویان ارائه و پس‌از آن، یافته‌های تحقیق در ارتباط با متغیر آموزش شهروندی به‌عنوان متغیر مستقل و متغیر فرهنگ شهروندی به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق ارائه گردیده است. از مجموع ۱۱۱۲ پاسخگو به‌عنوان نمونه تحقیق، ۴۴ درصد دختر و ۵۶ درصد پسر می‌باشند. از نظر وضعیت تأهل، ۶۰،۴ درصد متأهل و ۳۹،۶ درصد مجرد می‌باشند. سطح تحصیلات ۰،۹ درصد پاسخگویان بی‌سواد یا ابتدایی، ۴،۳ درصد سیکل، ۲۴،۵ درصد دیپلم، ۵۹،۹ درصد فوق‌دیپلم و لیسانس و ۱۰،۴ درصد فوق‌لیسانس و دکتری می‌باشند. ۷۴،۲ درصد از پاسخگویان شاغل و ۲۵،۸ درصد غیر شاغل بوده‌اند به‌طوری‌که، ۴۱،۵ درصد، دارای مشاغل دولتی، ۳۴،۵ درصد دارای مشاغل غیردولتی مانند آزاد، کارگر و ... و ۲۴ درصد غیر شاغل می‌باشند.

### میزان آموزش شهروندی

در این تحقیق، متغیر آموزش شهروندی به‌عنوان متغیر مستقل با استفاده از ۳۴ گویه بر اساس سنجش مؤلفه‌های دانش

1-alfa kronbakh

2-Citizenship knowledge

3-Citizenship skills

4-alfa kronbakh

شهروندی، نگرش شهروندی و مهارت شهروندی مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول زیر توزیع آماره‌های قابل مقایسه هر یک از ابعاد آموزش شهروندی و نیز مفهوم آموزش شهروندی ارائه گردیده است.

جدول شماره ۱- توزیع پراکندگی مؤلفه‌های آموزش شهروندی

شاخص مفهوم	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار
نگرش شهروندی	۱۳	۸	۳۹	۳۱	۳۴,۷۵	۴,۴۶
مهارت شهروندی	۱۱	۱۲	۳۶	۲۴	۳۰,۴۵	۴,۵۶
دانش شهروندی	۱۰	۱۰	۳۰	۲۰	۲۱,۷۶	۴,۲۷
آموزش شهروندی	۳۴	۸	۱۰۵	۹۷	۸۶,۸۸	۱۱,۰۸

با تقسیم دامنه تغییر نمرات پاسخگویان در مفهوم آموزش شهروندی در جامعه آماری مورد مطالعه بر عدد ۳ با فواصل برابر، جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان آموزش شهروندی پاسخگویان به دست آمده است.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی و درصدی میزان آموزش شهروندی پاسخگویان

موارد	تعداد	درصد
کم	۳۶۶	۳۲,۹
متوسط	۴۶۵	۴۱,۸
زیاد	۲۸۱	۲۵,۳
جمع	۱۱۱۲	۱۰۰

بر اساس یافته‌های تحقیق، میزان برخورداری ۳۲,۹ درصد از پاسخگویان از آموزش شهروندی در حد کم، ۴۱,۸ درصد در حد متوسط و ۲۵,۳ درصد در حد زیاد می‌باشد.

بهرمندی از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه شده توسط شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن

در طی سالیان اخیر مجموعه‌ای از برنامه‌ها با موضوع شهروندی توسط شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن و یا سایر نهادهای شهری صورت گرفته است. این سازمان‌ها و مراکز به فراخور نقش وظایف خود در زندگی شهری عهده‌دار مسئولیتی خاص و در نتیجه خود را ملزم به ارائه آموزش‌های خاص در حوزه شهروندی دیده‌اند. با توجه به وجه مشترک آموزش‌های سازمانی، این آموزش‌ها در ۶ محور شامل مشارکت سازمانی، مشارکت در حمل و نقل عمومی، مشارکت مدنی،

مشارکت دینی و تربیتی و مشارکت محلی می‌باشد. در جدول زیر آماره‌های قابل مقایسه آگاهی و بهره‌مندی پاسخگویان از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه‌شده توسط شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن ارائه گردیده است.

جدول شماره ۳- آماره‌های قابل مقایسه آگاهی و بهره‌مندی پاسخگویان از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه‌شده توسط شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن و نهادها و سازمان‌های غیر شهرداری تهران

مفهوم	شاخص	تعداد گوبه	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار
آگاهی و بهره‌مندی از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه‌شده توسط شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن		۱۳,۷۲	۶۳,۹۸	۷۸	۹۲	۱۴	۲۳
آگاهی و بهره‌مندی از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه‌شده توسط نهادها و سازمان‌های غیر از شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن		۱۵,۲۰۰	۵۷,۵۳	۸۹	۹۲	۳	۲۳

با توجه به مجموع گویه‌های فوق و تقسیم جامعه آماری به عدد سه با فواصل برابر، میزان آگاهی و بهره‌مندی پاسخگویان از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه‌شده توسط شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن و همچنین، آگاهی و بهره‌مندی پاسخگویان از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه‌شده توسط نهادها و سازمان‌های غیر شهرداری به دست آمده است.

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی و درصدی میزان آگاهی و بهره‌مندی پاسخگویان از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه‌شده توسط شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن و نهادها و سازمان‌های غیر شهرداری تهران

موارد	کم		متوسط		زیاد		بی پاسخ	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن	۴۰۵	۳۶,۸	۴۹۰	۴۴,۱	۲۱۳	۱۹,۱	۰	۰
نهادها و سازمان‌های غیر شهرداری تهران	۴۶۳	۴۲,۹	۵۰۸	۴۷,۱	۱۰۸	۱۰,۰	۳۳	۳,۰

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میزان آگاهی و بهره‌مندی ۳۶,۸ درصد از پاسخگویان از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه‌شده توسط شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن در حد کم، ۴۴,۱ درصد متوسط و ۱۹,۱ درصد زیاد می‌باشد. همچنین، میزان آگاهی و بهره‌مندی ۴۲,۹ درصد از پاسخگویان از محورها و زمینه‌های آموزش شهروندی ارائه‌شده توسط نهادها و سازمان‌های غیر از شهرداری تهران و سازمان‌های وابسته به آن در حد کم، ۴۷,۱ درصد در حد متوسط و ۱۰ درصد در حد زیاد می‌باشد.

در این تحقیق متغیر فرهنگ شهروندی به عنوان متغیر وابسته با استفاده از ۲۰ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول زیر توزیع آماره‌های قابل مقایسه هر یک از ابعاد کیفیت زندگی و نیز مفهوم کیفیت زندگی ارائه گردیده است. با تقسیم دامنه تغییر مقیاس مفهوم فرهنگ شهروندی بر عدد ۳ با فواصل برابر، جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان فرهنگ شهروندی پاسخگویان به دست آمده است.

جدول شماره ۵- توزیع پراکنندگی مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی

مورد	تعداد	درصد
کم	۳۰۸	۲۷,۸
متوسط	۳۲۴	۲۹,۲
زیاد	۴۷۷	۴۳,۰
بی پاسخ	۳	۳,۰
جمع	۱۱۱۲	۱۰۰

جدول شماره ۶- توزیع فراوانی و درصدی میزان فرهنگ شهروندی پاسخگویان

شاخص مفهوم	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار
فرهنگ شهروندی	۳۰	۱۸۰,۰۰	۹۰,۰۰	۷۲	۷۵,۹۷۲۰	۱۱,۶۶۱۲۱

یافته‌های تحقیق در جدول بالا نشان می‌دهد بر اساس یافته‌های جدول فوق، میزان پایبندی ۲۷,۸ درصد از پاسخگویان به فرهنگ شهروندی در حد کم، ۲۹,۲ درصد در حد متوسط و ۴۳ درصد در حد زیاد می‌باشد.

### تحلیل متغیرها

در این بخش، با استفاده از تکنیک‌های تحلیل دومتغیره و چند متغیره، رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### تحلیل دومتغیره

در این بخش، رابطه بین هر یک از متغیرهای مستقل وابسته تحقیق ارائه شده است. در جدول شماره ۷ یافته‌های تحقیق در مورد رابطه بین متغیرهای تحقیق و نتایج فعالیت‌های آماری مربوطه نشان داده شده است.

جدول شماره ۷- رابطه بین میزان آموزش شهروندی و بهره‌مندی افراد از آن با میزان فرهنگ شهروندی

میزان فرهنگ شهروندی			متغیر	میزان فرهنگ شهروندی	میزان فرهنگ شهروندی			متغیر
زیاد	متوسط	کم			زیاد	متوسط	کم	
۳۵,۶	۳۰,۷	۳۳,۷	کم	بهره‌مندی از آموزش سازمان‌ها و نهادهای شهری غیر از شهرداری	۱۶,۹	۲۹,۲	۵۳,۹	کم
۴۴,۶	۲۹,۳	۲۶,۱	متوسط		۳۹,۹	۳۷,۷	۲۲,۴	متوسط
۶۳,۹	۲۳,۱	۱۳,۰	زیاد		۶۰,۵	۲۴,۹	۱۴,۶	زیاد
۴۲,۷	۲۹,۳	۲۸,۱	جمع		۴۳	۲۹,۲	۲۷,۸	جمع
r: ۰/۱۰ Sig: ۰/۰۰۱				آماره	r: ۰/۴۸ Sig: ۰/۰۰۱			آماره
۳۱,۱	۳۰,۶	۳۸,۴	کم	بهره‌مندی از آموزش شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن	۲۰,۲	۳۸,۷	۵۵,۳	کم
۴۳,۷	۳۲,۰	۲۴,۲	متوسط		۳۴	۳۸,۷	۲۷,۳	متوسط
۶۴,۶	۲۰,۳	۱۵,۱	زیاد		۶۶,۸	۲۲,۴	۱۰,۸	زیاد
۴۳,۱	۲۹,۲	۲۷,۷	جمع		۴۳,۱	۲۹,۲	۲۷,۷	جمع
r: ۰/۱۸ Sig: ۰/۰۰۰				آماره	r: ۰/۴۶ Sig: ۰/۰۰۰			آماره
۱۹,۹	۲۸,۱	۵۱,۹	کم	آموزش شهروندی	۲۹,۱	۳۷,۴	۳۳,۶	کم
۳۹,۶	۴۱,۱	۱۹,۴	متوسط		۴۳,۲	۲۹,۸	۲۷	متوسط
۷۹,۱	۱۰,۸	۱۰,۱	زیاد		۷۵,۳	۹,۱	۱۵,۵	زیاد
۴۳	۲۹,۲	۲۷,۸	جمع		۴۳,۱	۲۹,۲	۲۷,۷	جمع
r: ۰/۵۱ Sig: ۰/۰۰۰				آماره	r: ۰/۰۳۱ Sig: ۰/۰۰۰			آماره

در جدول فوق رابطه بین هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق با میزان فرهنگ شهروندی پاسخگویان نشان داده شده است. یافته‌های تحقیق در ارتباط با رابطه بین میزان نگرش شهروندی و میزان فرهنگ شهروندی بیانگر این امر است که میزان فرهنگ شهروندی در سطح بالا، در بین افراد با میزان نگرش شهروندی پایین به میزان ۱۶,۹ درصد بوده است، در حالی که این میزان در بین افراد با میزان نگرش شهروندی بالا به ۶۰,۵ درصد افزایش یافته است. نتایج فعالیت‌های آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ( $r=۰/۰۰۰$ )، همبستگی بین دو متغیر فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد را تأیید می‌نماید. همچنین، یافته‌های تحقیق در ارتباط با رابطه بین میزان مهارت شهروندی و میزان فرهنگ شهروندی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ( $r=۰/۰۰۰$ )، همبستگی بین دو متغیر فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد را تأیید نموده است. علاوه بر آن، رابطه بین میزان دانش شهروندی و میزان فرهنگ شهروندی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ( $r=۰/۰۰۰$ )، همبستگی بین دو متغیر فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد را تأیید می‌نماید.

نتایج فعالیت‌های آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ( $r=۰/۰۰۰$ )، همبستگی بین دو متغیر میزان آموزش شهروندی و میزان فرهنگ شهروندی در سطح اطمینان ۹۹ درصد را تأیید می‌نماید. همچنین، یافته‌های تحقیق در

ارتباط با رابطه بین میزان بهره‌مندی از آموزش شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن و میزان فرهنگ شهروندی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ( $r=0/000$ )، همبستگی بین دو متغیر فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد را تأیید می‌نماید. و بر اساس یافته‌های تحقیق، در ارتباط با رابطه بین میزان بهره‌مندی از آموزش سازمان‌های شهری غیر از شهرداری و میزان فرهنگ شهروندی بیانگر این امر است که میزان فرهنگ شهروندی در سطح بالا، در بین افراد با میزان بهره‌مندی پایین از آموزش سازمان‌های شهری غیر از شهرداری به میزان ۳۵,۶ درصد بوده است، درحالی‌که این میزان در بین افراد با میزان بهره‌مندی بالا از آموزش سازمان‌های شهری غیر از شهرداری به میزان ۶۳,۹ درصد افزایش یافته است. نتایج فعالیت‌های آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ( $r=0/001$ )، همبستگی بین دو متغیر فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد را تأیید می‌نماید.

### تحلیل مسیر

تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چند متغیره است که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اثرات غیرمستقیم این متغیرها را نیز مدنظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند. تکنیک تحلیل مسیر بر پایه مجموعه‌ای از تحلیل رگرسیون چندگانه و بر اساس فرض ارتباط بین متغیرهای مستقل وابسته استوار است. این روش بر استفاده ابتکاری از نمودار تصویری که به دیاگرام مسیر معروف است تأکید خاص دارد (کلاتری، ۱۳۸۲: ۲۲۳ و ۲۲۴). به عبارت دیگر، برای بیان چگونگی آرایش متغیرها در مدل و بیان اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای وارد شده در مدل بر روی متغیر وابسته تحقیق از تحلیل مسیر استفاده می‌گردد (نیازی، ۱۳۸۱: ۱۳۶ - ۱۳۵).

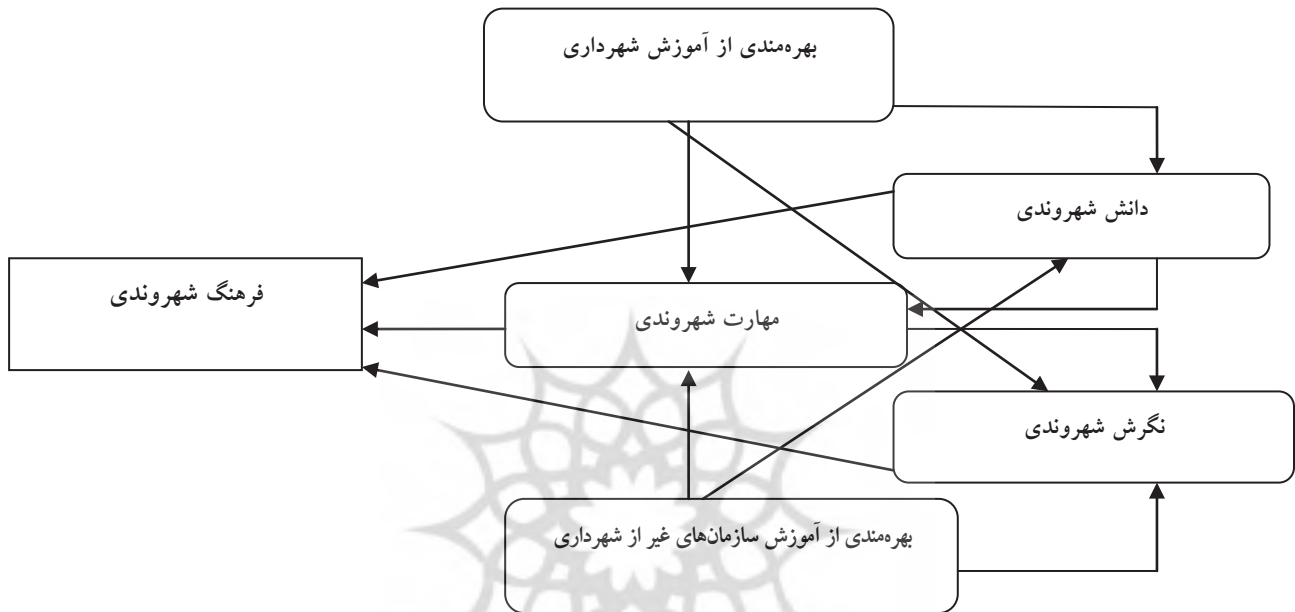
جدول شماره ۸- محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر میزان فرهنگ شهروندی

کل	ضرایب اثر		نام متغیر
	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
۰,۲۰	۰,۰۵	۰,۱۵	دانش شهروندی
۰,۳۴	-	۰,۳۴	نگرش شهروندی
۰,۳۸	۰,۲۱	۰,۱۷	مهارت شهروندی
۰,۰۶	۰,۰۶	-	بهره‌مندی از آموزش شهرداری و نهادهای وابسته به آن
-۰,۰۰۵	-۰,۰۰۵	-	بهره‌مندی از آموزش سازمان‌های غیر از شهرداری

جدول فوق نشان می‌دهد اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به دو بخش مثبت و منفی و اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم، تقسیم می‌شود. متغیر مهارت شهروندی با ۳۸ درصد اثرگذاری کل، دارای بیشترین میزان اثرگذاری، میزان نگرش شهروندی با ۳۴ درصد در رتبه دوم، دانش شهروندی با ۲۰ درصد در رتبه سوم و بهره‌مندی از آموزش شهرداری و



نهادهای وابسته به آن با ۶ درصد و بهره‌مندی از آموزش سازمان‌های غیر از شهرداری با ۰/۵- درصد در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در ارتباط با اثرگذاری مثبت و منفی، از بین ۵ متغیر مستقل، فقط میزان بهره‌مندی از آموزش سازمان‌های غیر از شهرداری دارای اثرگذاری منفی است و بقیه اثرگذاری مثبت دارند. بنابراین، در ارتباط با تحلیل متغیرهای با اثرگذاری مثبت، می‌توان گفت، با افزایش میزان نگرش شهروندی، دانش شهروندی، مهارت شهروندی، مهارت شهروندی و بهره‌مندی افراد از آموزش شهرداری و نهادهای وابسته به آن شاهد افزایش فرهنگ شهروندی آنان خواهیم بود اما با افزایش میزان بهره‌مندی از آموزش سازمان‌های غیر از شهرداری، میزان فرهنگ شهروندی افراد کاهش می‌یابد.



شکل شماره ۱- دیاگرام تحلیل مسیر

شکل تحلیل مسیر فوق، نوع اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، جهت و شدت آن‌ها را تعیین می‌کند. لازم به توضیح است که میزان ضریب تبیین مدل فوق برابر با  $(R^2=0/30)$  می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، وجود رابطه مثبت و معنادار بین هر یک از مؤلفه‌های آموزش شهروندان شامل نگرش شهروندی، مهارت شهروندی و دانش شهروندی و همچنین میزان بهره‌مندی از آموزش‌های شهرداری و آموزش‌های سایر سازمان‌ها و نهادها با میزان پایبندی نسبت به فرهنگ شهروندی را در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان داده است. میزان این رابطه به ترتیب برابر با  $(I=0,10, 0,18, 0,31, 0,66, 0,48)$  می‌باشد. در مجموع، نتایج تحقیق، وجود همبستگی بین آموزش شهروندی و فرهنگ شهروندی را برابر با  $(I=0,51)$  در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد. علاوه بر آن، نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره میزان تأثیر هر یک از عوامل نگرش شهروندی، مهارت شهروندی و دانش شهروندی بر فرهنگ شهروندی را به ترتیب برابر با ۳۴، ۱۷ و ۱۵ درصد مورد تأیید قرار داده

است.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر با مباحث نظری دانشمندان و یافته‌های پژوهش محققین در این ارتباط قرابت و همخوانی دارد. از دیرباز، افلاطون یکی از مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت را آموزش مهارت‌های لازم برای تصدی وظیفه در مدینه فاضله و انجام وظایف مدنی بیان نموده است (مهرداد، ۱۳۷۶؛ سجادی، ۱۳۷۸). کانت، بر آموزش شهروندی در ایجاد نگرش‌ها و مهارت‌های مشارکت افراد در جامعه انسانی تأکید نموده است (کوبا و کینی، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، آموزش شهروندی با ارائه اطلاعات و آگاهی در مسائل عمومی جامعه، فرد را برای کسب فرهنگ شهروندی محل زندگی خود در ابعاد محلی، ملی و جهانی آماده می‌کند (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷). بر این مبنای، آموزش شهروندی در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه نقش اساسی ایفا نموده و از این طریق با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم می‌یابد (شربتیان، ۱۳۸۷). علاوه بر آن، بسیاری از صاحب‌نظران از جمله اسلر، ۱۹۹۷؛ هوج، ۲۰۰۲ بر نقش بسیار مهم آموزش شهروندی در جهت تحقق فرهنگ شهروندی تأکید نموده‌اند. علاوه بر آن، نتایج تحقیق هاشمیان فر و گنجی (۱۳۸۸) بر نهادهای نمودن و توسعه فرهنگ شهروندی از رهیافت آموزش تأکید نموده است. در پژوهش نیکنامی و مدانلو (۱۳۸۷)، حیطه‌های رفتار اجتماعی و سیاسی، قانونمندی و قانون‌گرایی، رفتار ملی- مذهبی و حیطه زیست‌محیطی و توسعه پایدار به‌عنوان حیطه‌های اساسی آموزش شهروندی مطرح گردیده‌اند. همچنین، خوجم‌لی (۱۳۸۸) بر نقش آموزش‌های شهروندی از طریق مشارکت در کلاس درس، بحث‌های آزاد، گفتگوی آزاد شفاهی و مانند آن‌ها در ارتقاء مؤلفه‌های شهروندی چون وظیفه‌شناسی، مسئولیت‌پذیری و رعایت و احترام به قانون تأکید نموده است.

## منابع

- ۱- آقازاده، احمد (۱۳۸۵) اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات ویژگی‌های این‌گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، پاییز ۱۳۸۵، سال ۵، شماره ۱۷، صص. ۴۴-۱۱.
- ۲- بنیانیان، حسن (۱۳۸۶) فرهنگ توسعه: خط‌مشی‌گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳- بهشتی، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ لغت صبا، تهران: نشر صبا.
- ۴- حسنی، محمد؛ موسوی، میر نجف؛ حبیبی قرانچه؛ سکینه (۱۳۹۱) سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزش‌ها و هنجارها، مطالعه موردی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه ارومیه، مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی، تابستان ۱۳۹۱، سال ۲، شماره ۳، صص. ۲۴۲-۲۲۳.
- ۵- رودی، جواد (۱۳۹۰) ارزیابی برنامه‌های درسی آموزش عالی از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های آموزش شهروندی از دیدگاه اساتید و دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه کاشان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه‌ریزی درسی، به راهنمایی محسن نیازی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان.
- ۶- روشه، گی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات تبیان.
- ۷- سجادی، سید مهدی (۱۳۷۸) نقش نظام آموزشی در بهبود روند توسعه سیاسی، همایش آزادی و تحقق آن جمهوری اسلامی ایران، اردیبهشت ۱۳۷۸، دانشگاه تربیت مدرس تهران، صص. ۱-۱۴.

- ۸- سجادی، سید مهدی (۱۳۸۴) چالش‌های تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی، اسفند ۱۳۸۴، سال ۶، شماره ۲۲، صص. ۱۶۰-۱۴۳.
- ۹- شارع پور، محمود (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰- شاه طلبی، بدری؛ قلی زاده، آذر؛ شریفی، سعید (۱۳۸۸) تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه ارزش‌ها و هنجارها برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، پاییز ۱۳۸۸، سال ۲، شماره ۲، صص. ۷۶-۵۷.
- ۱۱- شربتیان، محمدحسن (۱۳۸۷) تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن، دو فصلنامه فرهنگی- پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی، تابستان و پاییز ۱۳۸۷، سال ۳-۲، شماره ۴-۱، پیاپی ۹، صص. ۱۱۹-۵۴.
- ۱۲- صرافی، مظفر و عبداللهی، مجید (۱۳۸۷) تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت کشور، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، بهار ۱۳۸۷، دوره ۴۰، شماره ۶۳، صص. ۱۳۴-۱۱۵.
- ۱۳- صرافی، مظفر و عبداللهی، مجید (۱۳۸۷) تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، بهار ۱۳۸۷، دوره ۴۰، شماره ۶۳، صص. ۱۳۴-۱۱۵.
- ۱۴- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۰) تعامل جهانی‌شدن شهروندی و دین، نشریه نامه علوم اجتماعی، پائیز و زمستان ۱۳۸۰، دوره ۹، شماره ۱۸، صص. ۲۰۰-۱۶۷.
- ۱۵- فاضلی، نعمت (۱۳۸۶) شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی، تهران: نشر نی.
- ۱۶- فاطمی نیا، سیاوش (۱۳۸۶) فرهنگ شهروندی محصول و محصل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، پاییز ۱۳۸۶، دوره ۷، شماره ۲۶، صص. ۵۸-۳۵.
- ۱۷- فالکس، کیث (۱۳۸۱) شهروندی، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران: انتشارات کویر.
- ۱۸- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹) تربیت شهروندی، چاپ اول، تهران: انتشارات آبیژ.
- ۱۹- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷) تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای گذر به مردم‌سالاری مشارکتی، قابل‌دسترس در [www.anthropology.ir](http://www.anthropology.ir)
- ۲۰- فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱) نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: انتشارات گام نو.
- ۲۱- کاشانی، مجید (۱۳۹۱) سنجش میزان اثربخشی ایستگاه‌های سیار آموزش شهروندی، تهران: انتشارات تپسا.
- ۲۲- کفاشی، مجید و کاوسی، اسماعیل (۱۳۸۷) تأثیر مدیریت امکانات شهری بر فرهنگ شهروندی مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تهران، پژوهشنامه‌مدیریت و برنامه‌ریزی شهری (۳)، انتشارات مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام: ۱۲۸-۸۵
- ۲۳- کلاتری، خلیل (۱۳۸۲) پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی، تهران: نشر شریف.
- ۲۴- مجلل چوبقلو، محمدعلی (۱۳۸۷) تحلیل برنامه درسی اجراشده مقطع ابتدایی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران از بعد تربیت شهروندی، پژوهشنامه تربیتی، زمستان ۱۳۸۷، سال ۵، شماره ۱۷، صص. ۹۶-۶۷.
- ۲۵- مهرداد، هرمز (۱۳۷۶)، زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی: جامعه‌پذیری سیاسی، تهران: انتشارات پازنگ.
- ۲۶- نیازی، محسن (۱۳۸۱) تبیین موانع مؤثر بر مشارکت اجتماعی در شهر کاشان در سال ۱۳۸۰، پایان‌نامه دکتری علوم اجتماعی، به راهنمایی مصطفی ازکیا و فریدون وحید، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- ۲۷- نیکنمایی، مصطفی و مدانلو، یاسمن (۱۳۸۷) تعیین مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره راهنمایی تحصیلی جهت ارائه یک چارچوب نظری، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال ۲، شماره ۱، صص. ۱۵۱-۱۲۵.
- ۲۸- هاشمیان فر، سید علی و گنجی، محمد (۱۳۸۸) تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، بهار ۱۳۸۷، سال ۲، شماره ۱، صص. ۱۶۴-۱۳۷.

- 30- Hoge. John.Douglas. (2002) Character education.citizenship education and the Social, Journal The Social Studies, Vol93, No3, pp.103-108.
- 31- Patricia K. Kubow & Mark B. Kinney (2000) fostering democracy in middle school classrooms. Journal The Social Studies, Vol 91, No 6, pp. 265-271.
- 32- Osler. A. (1997) Training and youth to the development of citizenship with European dimension, Publications The university of Birmingham.

